



A Comparative Study of Obstacles to Criminal Liability in Iranian Law and the Statute of the International Criminal Court

Vahid Goodarzi¹, Mohsen Shekarchizadeh^{*2}, Ahmadreza Tavakoli³

1. Ph.D. Studen, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

2. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 25-36

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0001-8769-9798

TELL: +983142292929

Email: mohsen.shekarchi@gmail.com

Article history:

Received: 20 Nov 2024

Revised: 28 Jan 2025

Accepted: 06 Mar 2025

Published online: 22 Jun 2025

Keywords:

*Criminal Responsibility,
Insanity, Intoxication,
Legitimate Defense,
Coercion, Reluctance,
International Criminal Court.*

ABSTRACT

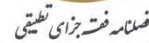
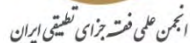
Obstacles to criminal responsibility is one of the most important topics in the field of international criminal law. These obstacles actually rule out criminal responsibility or prevent the realization and attribution of criminal responsibility to the perpetrator or perpetrators of crimes. The purpose of this article is a comparative study of the obstacles to criminal responsibility in Iranian law and the statute of the International Criminal Court. This article is descriptive and analytical and has investigated the mentioned subject by using library method. The findings indicate that there is not much difference between the causes of criminal liability in Iran's criminal law and the statute of the International Criminal Court. In the International Criminal Court, factors such as insanity, drunkenness, legitimate defense and coercion and reluctance have been specified as factors that make a person not criminally responsible and as obstacles to criminal responsibility by the perpetrator or perpetrators of the crimes under the jurisdiction of the court. It is cited. In Iranian criminal law, the mentioned factors are obstacles to criminal responsibility.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Goodarzi, V; Shekarchizadeh, M & Tavakoli, A (2025). "A Comparative Study of Obstacles to Criminal Liability in Iranian Law and the Statute of the International Criminal Court". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(2): 25-36.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می باشد.

مقدمه

مسئولیت کیفری بررسی شده و در ادامه از علل رافع مسئولیت کیفری در حقوق ایران و دیوان کیفری بین‌المللی بحث شده است.

۱- مفهوم علل رافع مسئولیت کیفری

«علل رافع مسئولیت کیفری عبارت است از: شرایط و اوصافی در فاعل جرم که مانع از قابلیت انتساب رفتار مجرمانه به وی شده و به عدم مسئولیت و مجازات او منجر می‌شود. به عبارت دیگر علل رافع مسئولیت کیفری به فاعل مربوط می‌شود، یعنی این ویژگی مرتکب است که موجب معافیت از مسئولیت کیفری می‌شود» (حبیب‌زاده و فخرناب، ۱۳۸۴: ۱۱-۳)، در نتیجه، برخلاف عوامل توجیه‌کننده جرم که اجازه ارتکاب رفتار به ظاهر خلاف قانون را به فرد می‌دهد، اما عوامل رافع مسئولیت کیفری، اجازه ارتکاب جرم را نداده و عمل فرد همچنان از وصف مجرمانه برخوردار است، ملاکی که برای تحقق عوامل رافع مسئولیت کیفری وجود دارد، آن است که باید یکی از دو رکن مسئولیت کیفری، یعنی اراده و قدرت تشخیص یا هر دو، از بین برود، مثلاً صغیر غیرممیز فاقد قدرت تشخیص است و در اکراه، آزادی اراده وجود ندارد و شخص مجنون یا مست ممکن است هر دو را از دست داده باشد. عوامل رافع مسئولیت کیفری در صورتی اثر دارند که در زمان ارتکاب فعل وجود داشته باشند، زیرا در این زمان باید اراده صحیحی وجود داشته باشد. بنابراین تحقق این عوامل، قبل یا بعد عمل تأثیری ندارد، هرچند ممکن است در تعقیب یا محاکمه یا اجرای مجازات، تأثیر داشته باشد (زرعت، ۱۳۹۲: ۲۲۱). هدف از وضع واعد مربوط به عوامل رافع مسئولیت کیفری، همان‌طوری که از عنوان آن برمی‌آید، برای از بین رفتن مسئولیت جزایی مرتکب جرم است، زیرا لازمه اعمال مجازات که فرع بر اثبات مسئولیت جزایی است به‌منظور حفظ نظم و دفاع اجتماعی می‌باشد و نمی‌تواند مسئولیت مدنی را از بین ببرد (ولیدی، ۱۳۷۳: ۱۵۱/۲). بعضی از عوامل رافع مسئولیت کیفری به‌طور کامل مسئولیت کیفری را از بین می‌برند، مانند کودکی، جنون و اجبار و برخی دیگر که تا حدودی باعث زوال مسئولیت کیفری مجرم خواهد بود، مثل مستی و خواب.

مسئولیت کیفری، ازجمله موارد بسیار حائز اهمیت در علوم جنایی است که سالیان سال مورد بحث قرار گرفته، به‌نظر می‌رسد کماکان نیز مورد بحث واقع شده باشد، چه آن‌که هنوز به مفهوم اجماعی درخصوص مسئولیت کیفری و حدود و ثغور آن‌چه در حقوق داخلی و چه در حقوق بین‌الملل نرسیده‌ایم، بنابراین لازم است در این خصوص پژوهش‌های تفصیلی و کاربردی ارائه گردد، اما آن‌چه موضوع بحث در این بخش است، بررسی مواردی است که مانع تحقق مسئولیت کیفری برای افرادی که مرتکب برخی از رفتارهای خلاف قانون می‌شوند، می‌باشد. بنابراین در این بخش به موارد رافع مسئولیت کیفری در پرتو اسناد حقوق بین‌الملل با (وصف کیفری) با تأکید بر حقوق داخلی پرداخته می‌شود. اهمیت و ضرورت این بحث از آنجایی است که در فرآیند سیر و تکوین پرونده مجرمانه نزد دادگاه صالح در برخی از موارد متهم اقدام به بیان دفاعیاتی از خود می‌نماید که اگر آن دفاعیات مطابق قانون کیفری باشد، نتیجه‌ای جزء براءة متهم و مواردی تخفیف مجازات او را به دنبال نخواهد داشت. بنابراین می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که از اصول مهم و مبنایی حقوق جزا، بحث علل رافع مسئولیت کیفری یا همان دفاعیات (به تعبیری دیگر) می‌باشد که موجب سقوط مجازات‌ها و عدم محکومیت متهم می‌شود. درواقع وجود مبنایی نظری درخصوص حدود مسئولیت کیفری و علل رافع، ازجمله مواردی است که هرچه بیشتر مورد بررسی قرار گیرد، به رشد مفاهیم مذکور بیشتر یاری می‌گردد. از طرفی، بسیاری از متفرعات پروسه عدالت کیفری مستقیم یا غیرمستقیم ارتباط تنگاتنگی با این مقوله دارد که خود، اهمیت این موضوع را شفاف‌تر و نمایان می‌نماید (متفرعاتی، ازقبیل تعقیب کیفری، مجازات مرتکب، رفع مسئولیت کیفری وی، تخفیف مجازات و ...). هدف پژوهش بررسی این سؤال است که موانع مسئولیت کیفری در حقوق ایران در مقایسه با اساسنامه دیوان کیفری بین‌الملل کدام است؟ فرضیه مقاله نیز عبارت است از این‌که «اساسنامه با اجتناب از تمایز مشخص بین انواع عوامل معافیت از مسئولیت کیفری، بیشتر براساس حقوق عرفی و براساس مفهوم گسترده دفاعیات جمله‌بندی شده است.» به‌منظور بررسی سؤال و فرضیه مورد اشاره، ابتدا مفهوم علل رافع

۲- موانع مسئولیت کیفری در حقوق کیفری ایران

در این قسمت به بررسی موانع مسئولیت کیفری در حقوق کیفری ایران پرداخته می‌شود.

۱-۲- صغر سن در حقوق کیفری ایران

«اقدام برای تعیین سنی مناسب برای مسئولیت کیفری، تکاپویی است برای رسیدن به پاسخ صحیح در این مورد که کودک در چه سنی طبیعت عملی که انجام داده است را به طور کامل درک می‌کند و در نتیجه، این قابلیت را دارد که مسئولیت ناشی از آن را بپذیرد» (Delmage, 2013: 102-110). «به این ترتیب با تبعیت از شیوه دفعی و یکباره در تحقق مسئولیت کیفری اطفال، مرز بین حداقل سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری را در آمیخته و هر دو را یکسان انگاشته بود و حال به موجب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ماده ۱۴۷، سن بلوغ در دختران ۹ سال و در پسران ۱۵ سال تمام قمری می‌باشد. بنابراین افراد پایین‌تر از این سنین، صغیر محسوب شده و فاقد مسئولیت کیفری می‌باشند، چراکه از نظر قانون‌گذار به توانایی ادراک و فهم ماهیت افعال خویش و تبعات آن واقف نیستند» (غلامی، ۱۳۹۲: ۷۷-۵۳). صغیر به دو دسته صغیر ممیز و صغیر غیر ممیز تفکیک می‌شود. صغیر غیر ممیز شخصی است که به طور کلی فاقد قوه تشخیص و ادراک باشد. به موجب فقه به کودکان زیر ۷ سال صغیر غیر ممیز می‌گویند، چراکه هنوز قابلیت شناختن و تمیز خوب از بد را ندارند. صغیر ممیز به کودکی که حد فاصل بالای هفت سال و زیر سن بلوغ باشد، گفته می‌شود. این افراد از قابلیت تشخیص حداقلی برخوردار می‌باشند، ولی هنوز به درجه‌ای نرسیده‌اند که بتوانند به تنهایی به امور خویش رسیدگی نمایند و برای انجام امور حقوقی و مالی خویش نیاز به ولی، وصی یا قیم دارند.

۲-۲- جنون در حقوق کیفری ایران

جنون یکی از عوامل رافع مسئولیت کیفری می‌باشد و یکی از چالش‌برانگیزترین بحث‌های حقوقی است، چراکه برای شناختن هم باید به علم روان‌پزشکی و هم حقوق رجوع کرد. یکی از تعاریف جنون در علم روان‌پزشکی قطع ارتباط با واقعیت است که به طور مشخص شامل توهم و هذیان می‌باشد و در علم حقوق نیز قانون‌گذار به تعریف جنون نپرداخته است و فقط

در ماده ۱۴۹ ق.م.ا فردی را که دارای اختلالات روانی باشد، به نحوی فاقد اراده و قوه تمیز باشد، مجنون می‌داند، در صورتی که شخصی در حال جنون مرتکب جرم شود، در نظام‌های حقوقی مختلف پذیرفته شده است که برخورد با او در مقایسه با اشخاص دارای سلامت روانی باید متفاوت باشد و با لحاظ سایر شرایط، فاقد مسئولیت کیفری شناخته شود؛ این امر اصولاً در مواردی صدق می‌کند که مرتکب دچار اختلال روانی تام است، نه اختلال روانی نسبی جنون به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱- جنون مستمر یا دائمی؛ ۲- جنون موقت یا ادواری. منظور از جنون مستمر آن است که شخص به دلیل بیماری یا ضعف قوای دماغی دائماً دچار اختلال است. جنون اطلاق یا ادواری هم حالتی است که فرد به دلیل اختلال هیجانی و عاطفی برای مدتی قوه تمیز خود را از دست می‌دهد و تا رفع این مدت حق هیچ‌گونه اعمال حق یا بهره‌بردن از حقوق و اموال خویش را ندارد، جنون به اختلال در قوه ادراک و تمیز به اصطلاح دیوانگی (جنون) می‌گویند (حسینی و اعتمادی، ۱۳۹۴: ۵۱۷-۴۹۱). مسئولیت جزایی مبتنی بر تقصیر است، لذا وقتی در حین ارتکاب جرم، مرتکب مجنون باشد، این جنون موجب عدم اجرای کیفرهای پیش‌بینی شده در قانون می‌شود (گلدوزیان، ۱۳۸۷: ۲-۲۴۴/۱).

۳-۲- اشتباه در حقوق کیفری ایران

«قانون‌گذار ایران از یک سو در مقام بیان یکی از موانع مسئولیت کیفری، در ماده ۱۵۵ ق.م.ا ۱۳۹۲ اصل را بر رافع مسئولیت نبودن اشتباه حکمی (جهل به جرم‌انگاری عمل ارتكابی) گذاشته و در تبصره این ماده نیز ناآگاهی مرتکب بر میزان و نوع مجازات را مؤثر ندانسته است. از طرف دیگر، از مفهوم مخالف ماده ۲۱۷ ق.م.ا ۱۳۹۲ چنین استنباط می‌شود که مقنن در مورد جرایم حدی، تأثیر اشتباه حکمی را به عنوان یکی از عوامل تام رافع مسئولیت کیفری پذیرفته است. در عین حال، مقنن برخلاف اشتباه حکمی، جز به ضرورتی موردی و پراکنده، متعرض مسأله اشتباه موضوعی نشده است. برای نمونه در ماده ۲۹۱ ق.م.ا ۱۳۹۲ اثر اشتباه در موضوع جرم را سبب تغییر جرم اشتباه در هویت مجنی‌علیه را بی‌قتل عمد به شبه‌عمد دانسته و همچنین در ماده ۲۹۴ ق.م.ا ۱۳۹۲ تأثیر بر

مسئولیت کیفری مرتکب اعلام دانسته است» (آخوند شریف، ۱۴۰۰: ۱۳-۵).

«از دیگر مواد قانونی که به نوعی با مقوله اشتباه در ارتباط می‌باشد، مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ ق.م.ا ۱۳۹۲ هستند که به بیان شرایط و موارد اعمال قاعده درء می‌پردازند. ارتباط آن‌ها از این جهت است که یکی از موارد اعمال این قاعده هنگامی است که یکی از شرایط مسئولیت کیفری (که به تصریح مواد ۱۴۰، ۱۴۴ و ۱۴۵ ماده ق.م.ا ۱۳۹۲ عبارتند از: «عقل، بلوغ، اختیار، علم به موضوع جرم و قصد ارتکاب رفتار مجرمانه در جرایم عمدی و تقصیر مرتکب در جرایم غیرعمدی») در نظر قاضی موضوع شبهه و تردید قرار گیرد که این امر می‌تواند نتیجه ادعای جهل به قانون یا موضوع جرم و اثبات آن از سوی مرتکب باشد، مثال چنانچه مرتکب جرمی عمدی، مدعی جهل به جرم‌انگاری عملی شده و آن را اثبات نماید، قصد ارتکاب رفتار مجرمانه که یکی از شرایط تحقق مسئولیت کیفری است، وجود نخواهد داشت و در نتیجه نوبت به اعمال قاعده درء توسط قاضی می‌رسد که در این صورت مطلقاً مسئولیتی بر مرتکب بار نخواهد شد و این درحالی است که ماده ۱۵۵ ق.م.ا ۱۳۹۲ اصل را بر عدم تأثیر اشتباه حکمی بر مسئولیت کیفری گذارده است» (خویشن‌دار، ۱۳۹۸: ۶۸-۴۵).

۲-۴- مستی در حقوق کیفری ایران

شخص مست به دلیل نداشتن قصد ارتکاب جرم، مسئولیت کیفری نخواهد داشت، البته فرق است میان شخصی که بر اثر مصرف مشروبات الکلی فاقد اراده و قصد شده است با فردی که به قصد ارتکاب جرم و برای دفع ترس و جمع کردن شهادت و شجاعت خود اقدام به نوشیدن مشروبات الکلی می‌نماید؛ در حالت دوم، فرد نه تنها به کیفر عمل مجرمانه خود می‌رسد، بلکه به دلیل مصرف مشروبات الکلی نیز مجرم بوده و مجازات می‌گردد. «باتوجه به مدارج مختلفه مستی ممکن است، در شروع مستی که شخص اعمال خود را تشخیص داده، حالت عادی‌اش تغییر نکرده، آن چه می‌کند می‌فهمد و چیزی که در او ضعیف شده، فقط قوه مقاومت در مقابل محرکات شدید و شهوانی است، مسئولیت باقی است و اعمال انتسابی به چنین شخصی دارای همان اهمیت و وجهه اخلاقی است که در

هوشیاری وجود دارد و درواقع در مستی ناقص اگر اتفاقی باشد، اثرش تخفیف مجازات و اگر نتیجه عادت یا بی‌احتیاطی یا ارادی باشد، جزء عوامل مشدده است، منتهی چون این عامل مشدده در عین حال موجب ضعف اراده و قوه مقاومت مرتکب شده، قاضی با رعایت عوامل مخففه و حداقل و حداکثر همیشه می‌تواند نسبت به هر موضوع خاص تصمیم مناسبی اتخاذ نماید» (ارژنگ و شاکر، ۱۳۹۹: ۲۷-۷). «بحث در اطراف این موضوع بیشتر جنبه فنی دارد تا عملی، زیرا کسی که در حال مستی طرحی را انجام می‌دهد که به منظور آن خود را مست نموده است، با همین عمل ثابت می‌کند که هنوز هوش و اراده کافی برای او باقی است و دفاعش با این که در حال مستی قوه تمایز و اراده از او سلب شده، دفاع پسندیده نیست، چه بهترین دلیل برای بقای قوای او در حین مستی همان اجرای عمل مجرمانه است و تا به حال هیچ مورد عملی پیدا نشده که بزهکاری برای تقویت قلب خود مشروب آشامیده، به درجه‌ای مست شده باشد که کاملاً عقلش را از دست بدهد، به همین جهت است که در هیچ‌یک از قوانین مدونه کمترین تخفیفی درباره جرم ارتكابی درحال مستی با تصمیم قبلی قائل نشده، حتی بعضی از قوانین این مستی را از عوامل و اوضاع و احوال مشدده تقصیر تلقی نموده‌اند» (عمیدی و ملکی، ۱۳۲۷: ۲۹-۲۴).

۲-۵- اکراه

در ماده ۵۴ قانون مجازات اسلامی آمده است: «در جرایم موضوع مجازات‌های تعزیری یا بازدارنده، هرگاه کسی بر اثر اجبار یا اکراه که عادتاً قابل تحمل نباشد، مرتکب جرمی شود، مجازات نخواهد شد.» در این مورد، اجبارکننده به مجازات فاعل جرم باتوجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تأدیب از وعظ، توبیخ، تهدید و درجات تعزیر محکوم می‌شود. تهیه‌کنندگان قانون، اکراه را در کنار اجبار و در جرایم موضوع مجازات‌های تعزیری یا بازدارنده موجب رفع مسئولیت کیفری دانسته‌اند، البته این اقدام قانون‌گذار، به این معنا نیست که در سایر جرایم، از قبیل جرایم حدی، اکراه در سقوط کیفر مؤثر نباشد. شرط مهم است که اکراه همراه تهدید اکراه‌کننده نسبت به جان، ناموس یا اموال باشد. همچنین اکراه‌شونده بداند یا احتمال عقلایی دهد که اکراه‌کننده در صورت انجام‌ندادن

مسئولیت نیست، این است که اولاً به صلاحیت این دادگاه طبق اساسنامه مذکور، فقط نسبت به اشخاص حقیقی است، بنابراین اشخاص حقوقی را دربر نمی‌گیرد (برخلاف دیوان بین‌المللی دادگستری)؛ نکته دیگر این که، این دیوان دائمی است، بنابراین برخلاف دادگاه‌های موردی سابق که به اختصار پیرامون آن‌ها بحث نمودیم، این دیوان از حیث زمان و مکان (با رعایت شرایطی) اصولاً دائمی است و مقر آن در شهر لاهه می‌باشد.

درخصوص بحث صغر سن، به‌عنوان یکی از علل رافع مسئولیت کیفری دفاعیات متهم در جلسه رسیدگی، می‌توان اذعان نمود که خوشبختانه اساسنامه مذکور به‌صراحت این موضوع را در ماده ۲۶ خود بیان نموده است و حکم قضیه را روشن نموده، به‌طوری‌که در فصل سوم، تحت عنوان اصول عمومی حقوق کیفری، در ماده ۲۶، این گونه مقرر داشته است: «عدم صلاحیت دیوان نسبت به اشخاص کمتر از ۱۸ سال، دیوان نسبت به جرایم اشخاصی که در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال داشته‌اند، صلاحیت نخواهد داشت» (شریعت‌باقری، ۱۳۸۶: ۴۰).

بنابراین می‌توان گفت، اولین سندی که سن مسئولیت کیفری را به‌طور صریح، ۱۸ سال قلمداد می‌نماید و صلاحیت دادگاه بر همین اساس معین می‌گردد، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری است، برخلاف دیگر اسناد بین‌المللی کیفری که در این خصوص ساکت بودند و یا به‌طور صریح به بیان سن مسئولیت کیفری نپرداخته‌اند، می‌توان گفت که در این سند: اولاً در ماده ۲۵، مسئولیت را متوجه فقط اشخاص حقیقی قرار می‌دهد؛ ثانیاً مبنای مسئولیت کیفری را نیز از افراد بالای ۱۸ سال لحاظ می‌نماید.

نکته حائز اهمیت در این قسمت، این است که در ذیل ماده ۸، این اساسنامه، اشاره به ممنوعیت به‌کارگیری افراد زیر ۱۵ سال شده است، به‌موجب این جزء از ماده ۸: «... بسیج اجباری یا داوطلبانه کودکان زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح ملی یا به‌کارگرفتن آنان برای مشارکت فعالانه در کارهای جنگی...» آمده است.

نکته حائز اهمیت این است که از مفهوم مخالف متن اخیر، می‌توان استنباط کرد که به‌کارگیری افراد بالای ۱۵ سال (اعم از ۱۵ تا ۱۸ یا ۱۸ به بالا) ممنوع نیست و امری مباح قلمداد

دستور فوق، تهدید خود را عملی می‌کند. باید اکراه‌کننده توانایی عملی کردن تهدید خود را داشته باشد. نکته مهم این است که اکراه غیرقابل تحمل در امور کیفری همان اجبار است، آن‌ها دو تأسیس کیفری مجزا و مستقل محسوب نمی‌شوند، بلکه مترادف یکدیگرند. ضابطه تحقق اکراه آنچنان تهدیدی است که غیرقابل تحمل باشد، یعنی نسبت به فرد تهدیدشده قابل تحمل نباشد. باید توجه داشت از آنجا که فرد اکراه‌شده در هر حال رفتارش بدون در نظر گرفتن خود وی طبق قانون جرم محسوب می‌شود، نمی‌توان رفتار او را غیرمجرمانه محسوب کرد، اما همان رفتار نسبت به فرد اکراه‌شده قابل مجازات نیست و این در همه جرایم تعزیری صدق می‌کند و چون اکراه‌شونده در رفتاری که طبق قانون جرم بوده، اساساً اراده نداشته است، اگرچه دست به ارتکاب جرم زده است، اما مجازات نمی‌شود، بلکه اکراه‌کننده به مجازات انجام‌دهنده جرم محکوم می‌شود، زیرا اکراه‌شونده اراده خود را به طرف مقابل تحمیل کرده است.

۳- موانع مسئولیت کیفری در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری

در این قسمت به بررسی موانع مسئولیت کیفری در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری پرداخته می‌شود.

۳-۱- صغر سن در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری

تصویب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ در رم بی‌تردید رخداد مهم در تاریخ روابط بین‌المللی و گامی اساسی در تحقق رویای کهن بشریت است. تأسیس یک مرجع جزایی بین‌المللی دائم به‌منظور محاکمه جنایتکاران جنگ بین‌المللی (تاواریشه، ۱۳۸۲: ۳۲-۱).

به‌نظر برخی از حقوق‌دانان، یک دیوان دائمی و از پیش ایجاد شده و مجهز به یک مجموعه قواعد جزایی ماهوی پاسخ‌نهادینه جامعه بین‌المللی به درخواست عدالت‌خواهی قرن بیستم است، قرنی که شاهد و قربانی تراژدی‌ها اسفبار انسانی از سوی نظام‌های دیکتاتوری بوده است (گریبی، ۱۳۸۳: ۱۸۶-۱۷۷). شاید بتوان تشکیل دیوان بین‌المللی کیفری را بزرگ‌ترین تحول در حقوق بین‌الملل بعد از تحقق ملل متحد دانست، نکات لازم در این خصوص که بی‌ارتباط از بحث علل رافع

۳-۲- جنون در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری

جنون یا اختلالات روانی یا به تعبیری دیگر در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، صراحتاً در ماده ۳۱، پذیرفته شده است. به موجب ماده ۳۱ اساسنامه دیوان، علاوه بر سایر موارد معافیت از مسؤولیت کیفری که در این اساسنامه پیش‌بینی شده است، یک شخص از نظر کیفری مسؤول نیست، چنان‌چه در حین ارتکاب عمل مبتلا به نوعی بیماری یا اختلال روانی بود که او را از درک ماهیت فعل ارتكابی و یا خصوصیت جزایی آن یا از کنترل عملش برای تطبیق با قانون عاجز کرده است (شریعت‌باقری، ۱۳۸۶: ۴۴).

خوشبختانه بعد از گذشت سالیان سال، درخصوص علل رافع یا علل تخفیف‌دهنده مجازات در اسناد مهم بین‌المللی کیفری، شاهد این موضوع هستیم که در یک سند بین‌المللی درخصوص رسیدگی برخی از جرایم مهم جهانی که موجبات اختلال و بی‌نظمی در جامعه بین‌المللی را فراهم می‌آورد، صراحتاً شفاف و کامل‌تر از اسناد گذشته به موارد مذکور در بالا، اشاره شده است.

همان‌گونه که در بند «الف» بدان اشاره شد، ابتلا به نوعی بیماری یا اختلال روانی، یکی از علل رافع مسؤولیت کیفری به مفهوم خاص خود برشمرده شده است، به‌نحوی که اگر کسی به این حالت دچار شده باشد، می‌تواند نزد محکمه صالح به عنوان یکی از عوامل سلب مسؤولیت کیفری و متعاقب آن معافیت از مجازات، به جنون یا اختلال روانی خود، حین ارتکاب عمل مجرمانه، متوسل گردد. بنابراین ازجمله دفاعیات متهم نزد این محکمه جنون یا اختلال روانی است که در صورت ثبوت آن می‌تواند، موجب سلب مسؤولیت کیفری گردد.

البته جهت استناد به جنون یا اختلالات روانی، لازم است شروطی مورد توجه قرار گیرد، ازجمله این‌که: اولاً استناد به بیماری یا اختلال روانی، حین ارتکاب جرم حادث شده باشد و الا اگر بعد از ارتکاب جرم، این پدیده عارض شده باشد، اصولاً نمی‌تواند موجب رافع مسؤولیت کیفری، به‌نحوی که مانع اجرای مجازات باشد، قرار گیرد، البته اگر جنون بعد از ارتکاب عمل حادث شده باشد، می‌تواند یک‌سری سازوکارهای خاص دیگر، ازجمله صدور قرارهای متناسب جهت عودت سلامت روانی تا زمان لازم برای رسیدگی به پرونده مجرمانه را دربر داشته باشد؛

می‌گردد. سؤالی که مطرح می‌شود، این است که چگونه است که دیوان به‌کارگیری افراد بین ۱۵ تا ۱۸ سال را مباح قلمداد می‌نماید و برای آن‌ها قوه تمیز در به‌کارگیری احکام نظامی و اجرای آن‌ها و به‌طور کلی شرکت در عملیات نظامی را ثابت تشخیص می‌دهد، اما آن‌ها را از بار مسؤولیت کیفری درخصوص جرایم مصرحه در این اساسنامه ۴ جرم خارج قلمداد می‌نماید؟!

اگر بتوان برای فردی قابلیت انجام امور در نظر گرفت، به‌نظر می‌رسد که بتوان او را نیز مسؤول تحمل کیفر عمل خویش دانست. به‌نظر نگارنده لازم است این قسم از اساسنامه مورد بازبینی قرار گیرد، چه آن‌که اگر مبنی بر مسؤولیت کیفری افراد، هجده‌سال (طبق ماده ۸ این اساسنامه) است، بهتر است که سن به‌کارگرفتن و بسیج افراد زیر هجده‌سال ممنوع اعلام گردد (نه افراد زیر ۱۵ سال)، از این جهت پیوند عرفی منطقی بین این ۲ مقوله استوار می‌گردد.

البته نکته دیگر که لازم به یادآوری است، این است که صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، تکمیلی است، یعنی در مواردی خاص: ۱- دولت‌ها نخواهند پیگیری کنند؛ ۲- یا قادر نباشند، صلاحیت شروع به رسیدگی دارد و الا حق رسیدگی ندارد، از این جهت نیز اگر دولتی رسیدگی نماید، طبق قوانین و مجازات‌های داخلی آن کشور پروسه‌ی کیفری از جنبه شکل ماهوی ادامه خواهد داشت و از این روی حد نصاب مسؤولیت کیفری و صغر سن به‌عنوان یکی از عوامل رافع مسؤولیت کیفری تحت‌الشعاع قرار خواهد گرفت و پیوند ناگسستنی با قوانین ماهوی آن دولت برقرار خواهد کرد.

نظر نمایندگی جمهوری اسلامی ایران درخصوص تعیین سن مسؤولیت کیفری (صغر سن)، در اساسنامه مذکور اینچنین اعلام گردید: «ما با پیشنهاد این‌که سن مسؤولیت کیفری در چهارچوب این دیوان ۱۸ سالگی تعیین شود، موافقیم، اما پیشنهاد می‌کنیم که در شرایط خاص و بنا به تشخیص دادگاه، اگر اشخاص بین ۱۵ تا ۱۸ سال با علم به وصف جزایی عملشان مرتکب جرمی شوند، دادگاه صلاحیت مجازات آن‌ها را داشته باشد، اما در هر صورت به‌نظر ما در هیچ موردی و به هیچ‌وجه نباید اشخاص کمتر از ۱۵ سال مسؤول شناخته شوند» (شریعت‌باقری، ۱۳۸۶: ۲۲۲).

موضوع را در مواد قانونی کیفری خود به رسمیت شناخته است. ماده ۳۲ از اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، اختصاص به اشتباه اعم از موضوعی و کیفری یافته است، به نحوی که در شماره ۱ آن اشتباه موضوعی مطرح شده و شماره ۲ به اشتباه حکمی اختصاص یافته است. مطابق ماده ۳۲-۱ دیوان «**اشتباه در موضوع موجب معافیت از مسئولیت کیفری نیست، مگر این که عنصر معنوی جرم را از بین برده باشد**» (شریعت باقری، ۱۳۸۶: ۴۶).

نکات ذیل قابل توجه است: اولاً این که منظور از اشتباه، اشتباه موضوعی مد نظر است و نه حکمی؛ ثانیاً اصل بر مسئولیت کیفری است، مگر این که عنصر معنوی جرم را زائل نموده باشد. بنابراین اگر فردی به اشتباه موضوعی استناد نماید، به عنوان رافع مسئولیت کیفری و در غالب دفاعیات، او کماکان مسؤول شناخته خواهد شد، مگر این که اثبات نماید که عنصر معنوی زائل شده است، و الا به صرف استناد به اشتباه موضوعی، عاملی برای زائل شدن مسئولیت کیفری نیست.

برخی از نویسندگان علاوه بر صادقانه بودن، معقول بودن و ناشی از مسامحه نبودن اشتباه موضوعی را نیز برای قابل پذیرش بودن آن لازم دانسته‌اند (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۸: ۱۹۴).

بنابراین اشتباه باید صادقانه و منطقی باشد؛ اشتباه در اوضاع و احوال واقعی بایستی براساس مبانی منطقی باشد یا به عبارت دیگر، سطحی یا دور از ذهن نباشد، به عبارت روشن‌تر اشتباه نباید در اثر سهل انگاری باشد. هدف این فرض که مبتنی بر روح کلی حقوق کیفری بین‌المللی است، آن است که تا حد ممکن از ارتکاب اعمال خلاف قواعد بین‌المللی که حافظ ارزش‌های انسانی هستند، جلوگیری نماید و نیز جایی که استثنا بر قواعد بازدارنده وارد شده، آن استثنائات را به‌طور مضیق تفسیر کند (کسسه، ۱۳۸۷: ۳۱۸).

مطابق ماده ۳۲-۲: «**اشتباه در حکم به این معنی که آیا یک نوع عمل به‌خصوص جرم مربوط به صلاحیت دیوان است، موجب عدم مسئولیت کیفری نیست. با وجود این، اشتباه در حکم می‌تواند به عنوان موجب عدم مسئولیت کیفری تلقی شود، مشروط بر این که سبب از بین رفتن عنصر معنوی جرم شده یا مشمول مقرراتی باشد که در ماده ۳۳ آمده است.**»

ثانیاً جنون یا اختلال روانی، لازم است که به حدی باشد تا عجز فرد از کنترل رفتار فرد را ایجاد کند و الا به صرف داشتن حالاتی مادون یا متفاوت با آن حالتی که سبب عجز نمی‌گردد، از موجبات سقوط مسئولیت کیفری نیست، بلکه شاید در مواردی موجب تخفیف مجازات گردد؛ ثالثاً وضعیت عیوب دماغی پایین‌تر از حد جنون است، در برخی از کشورها، مثل کشورهای برخوردار از حقوق ژرمنی، وجود چنین مواردی ممکن است موجب استحقاق مرتکب برای تخفیف مجازات شود (میر محمدصادقی، ۱۳۷۸: ۱۷۲).

استناد به مسئولیت تقلیل یافته، معمولاً موجب معافیت کامل متهم از عواقب جرایم ارتكابی خویش نمی‌گردد؛ در برخی حوزه‌های تحت سلطه کامن‌لا، از جمله انگلیس و ولز، نمی‌توان شخصی را که مسئولیت تقلیل یافته او احراز شده است، به اتهام قتل توأم با سوءنیت کامل محاکمه کرد، در هر حال، نابهنجاری روانی متهم ممکن است نتیجه رشد متوقف شده یا به عقب افتاده ذهنی یا هر نوع عامل غیراکتسابی و یا در اثر بیماری یا صدمه ایجاد شده باشد (کیتی شیایزری، ۱۳۸۳: ۴۹۰).

بنابراین همان‌طور که در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و نیز صاحب‌نظران رشته حقوق بدان اشاره کردند، لازم است که اولاً جنون حین ارتکاب جرم باشد؛ ثانیاً به حدی باشد که فرد را از کنترل رفتارش عاجز کرده باشد و آن سببی جهت معافیت از مجازات به استناد علل رافع مسئولیت کیفری فاقد محل مشروع قضایی است.

مع‌الوصف، جنون یا اختلالات روانی، در اساسنامه دیوان صراحتاً پذیرفته شده است و نیز یکی از عوامل رافع مسئولیت کیفری (نه تخفیف‌دهنده آن) شناخته می‌شود و اگر فردی به این موضوع استناد نماید و نزد محکمه صالح با جلب نظر کارشناس این صالح این موضوع را اثبات نماید، از موجبات معافیت برخوردار خواهد شد.

۳-۳- اشتباه در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری

درخصوص اشتباه در پرتو اساسنامه دیوان دائمی بین‌المللی کیفری که وحدت اراده اکثر دولتهاست، می‌توان بیان کرد که خوشبختانه اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به‌صراحت این

های بین‌المللی کیفری موردی، مورد پذیرش قرار گرفته است و می‌تواند در صورت وجود، به‌عنوان یکی از دفاعیات متهم نزد دادگاه مطرح گردد و در صورت اثبات اشتباه، البته با رعایت سایر شروط لازم دیگر، موجبات رافعیّت مسؤولیت کیفری را فراهم سازد (Zimmerman, 1998: 169-237).

۳-۴- مستی در اساسنامه دیوان بین‌الملل کیفری

در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، در خصوص مستی برخلاف اساسنامه دادگاه‌های بین‌المللی کیفری موصوف، قانون‌گذار صراحتاً در ماده ۳۱ اساسنامه در بند «ب» از ۱ این موضوع را که مستی رافع مسؤولیت کیفری است، البته با شرایط لازم بیان نموده است. مطابق ماده ۳۱ اساسنامه دیوان، علاوه بر سایر موارد معافیت از مسؤولیت کیفری که در این اساسنامه پیش‌بینی شده است، «یک شخص از نظر کیفری مسؤول نیست، چنان‌چه در حین ارتکاب عمل: ۱- ...؛ ۲- در حالت مستی بوده که او را از اختیار درک خصوصیت جزایی عمل یا ماهیت آن یا کنترل عمل برای تطبیق آن یا قانون عاجز کرده است، مگر این‌که وی عمداً مست شده باشد، به‌نحوی که اوضاع و احوال نشان بدهد که وی می‌دانسته و یا نسبت به این خطر بی‌توجه بوده که به‌دلیل مست بودن در معرض ارتکاب یکی از جرایم مربوط به صلاحیت دیوان قرار خواهد گرفت» (شریعت‌باقری، ۱۳۸۶: ۴۴). به وضوح تغییر نگرش واضعان اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری را برخلاف واضعان اساسنامه دادگاه‌های بین‌المللی کیفری که شرح آن بیان گردید، می‌توان مشاهده نمود، چه آن‌که در ماده ۳۱ اساسنامه دیوان، مستی به‌عنوان علل رافع مسؤولیت کیفری پذیرفته شده است.

البته برای استناد به مستی مطابق این ماده لازم است: اولاً فرد در حین ارتکاب رفتار ناقض قانون مست بوده باشد؛ ثانیاً عاجز شدن فرد از حیث در خصوصیات جزایی عمل یا ماهیت آن یا کنترل عمل، الزاماً می‌بایست اتفاق افتد، البته استثنایی نیز بر این حکم وارد شده است، یعنی آن‌که اگر فرد عمداً خود را مست کرده باشد و این‌که احتمال ارتکاب رفتار ناقض قانون را بدهد (عمداً خود را مست نموده باشد و احتمال ارتکاب جنایات را نیز بدهد)، مبری از مسؤولیت کیفری شناخته نخواهد شد و از مقررات این ماده به‌عنوان دفاعیات نمی‌تواند استفاده نماید. درنهایت، می‌توان بیان نمود که علل رافع مسؤولیت

در این خصوص نکات زیر حائز اهمیت است: اولاً حکم مزبور در خصوص اشتباه حکمی مطرح شده است؛ ثانیاً اصل بر مسؤولیت کیفری، مرتکب است، مگر این‌که یا سبب از بین رفتن عنصر معنوی گردد یا این‌که مشمول مقررات ماده ۳۳ (امر مافوق) قرار گیرد.

به‌نظر می‌رسد علی‌رغم این‌که اشتباه حکمی در این ماده از اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری پذیرفته شده است، اما با توجه به قاعده‌ای که مورد قبول اکثر نظام‌های حقوقی نیز علی‌الاصول می‌باشد (چهل به حکم رافع مسؤولیت کیفری نیست) به‌نظر می‌رسد که اثبات این موضوعی مشکل‌تر از استناد به اشتباه موضوعی باشد.

به‌نظر یکی از حقوق‌دانان اشتباه قانونی ممکن است برای معافیت از مجازات مطرح شود، اما نه در زمانی که متخلف به غیرقانونی بودن عمل خود جهل داشته باشد، بلکه هنگامی که: ۱- وی از عنصر اساسی قانونی که در منع بین‌المللی عمل خاصی بدان اشاره شده، اطلاع نداشته باشد؛ ۲- این عدم آگاهی از سهل‌انگاری ناشی نشده باشد؛ ۳- شخص، هنگام انجام عملی خاص فاقد قصد مجرمانه لازم بوده باشد (کسسه، ۱۳۸۷: ۳۲۵). در پذیرش عذر جهل به قانون از سوی مرتکب یک جرم بین‌المللی، باید به عواملی مثل میزان وضوح یا ابهام قانون در آن مورد خاص، سطح سواد، آگاهی و آموزش مرتکب، درجه او در نیروهای رزمنده، نوع عمل ارتكابی و نظایر آن‌ها توجه کرد (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۸: ۱۹۷).

بنابراین به وضوح شاهد این موضوع هستیم که در خصوص اشتباه حکمی در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، اصل بر عدم پذیرش اشتباه حکمی است، مگر این‌که یا متهم ثابت نماید که اشتباه به‌نحوی بوده است که فاقد عنصر معنوی سوءنیت در ارتکاب عمل ناقض قانون بوده است یا این‌که عنوان نماید که این قسم از ماده مشمول مقررات ماده ۳۳ قانون مذکور می‌گردد که در هر صورت می‌بایست حسن نیت، صداقت و ... را نیز ضمناً با اثبات رسانده باشد.

مع‌الوصف می‌توان گفت که اشتباه اعم از موضوعی حکمی در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری برخلاف اساسنامه دادگاه

فرار از آن دست به ارتکاب جرم می‌زند، متناسب باشد و همان گونه که ماده (۳)(۱) ۳۱ اساسنامه تصریح کرده است؛ ۶- مرتکب نباید قصد ایراد صدمه‌ای شدیدتر از آنچه را که در صدر اجتناب از آن بوده است، داشته باشد.

نکته حائز اهمیت این است که در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی جرایم مشتمل بر قتل از شمول اکراه و اضطراب مستثنی نشده‌اند و بند ۳ از ماده ۳۱ نیز در مورد پذیرش اضطراب و اکراه به کلیه جنایات مشمول صلاحیت دادگاه اشاره کرده و تنها شرط کرده است که مرتکب قصد ایراد صدمه‌ای شدیدتر از آنچه که درصدد اجتناب از آن بوده است را نداشته باشد (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۸: ۱۸۳). مع الوصف می‌توان بیان نمود که اولاً با دیوان بین‌المللی کیفری به‌عنوان مرجع صالح و دائمی رسیدگی به جرایم مذکور، صالح به رسیدگی تمام جرایم مطرح در اساسنامه خود است، ازجمله علل رافع مسئولیت کیفری که به‌صراحت در آن پیش‌بینی شده است، بحث اکراه یا اضطراب به‌عنوان علت رافع مسئولیت کیفری (و نه تخفیف مجازات) است.

نتیجه‌گیری

«موانع مسئولیت کیفری» یکی از مهم‌ترین مباحث در حوزه حقوق بین‌المللی کیفری محسوب می‌گردد. این موانع درحقیقت مسئولیت کیفری را منتفی نموده و یا مانع از تحقق و انتساب مسئولیت کیفری به مرتکب یا مرتکبان جرایم داخل در صلاحیت اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی می‌شوند. اساسنامه در ماده ۱۳ از این موانع، تحت عنوان «موجبات معافیت از مسئولیت کیفری» یاد می‌نماید. این ماده عواملی نظیر جنون، حالت مستی، دفاع مشروع و اجبار و اکراه را به‌عنوان عواملی که سبب می‌شوند شخص مسئولیت کیفری نداشته باشد، مورد تصریح قرار داده است و به‌عنوان موانع مسئولیت کیفری از سوی مرتکب یا مرتکبان جرایم مندرج در صلاحیت دادگاه مورد استناد قرار می‌گیرد. همچنین در این ماده ذکر از حصری بودن این موارد به میان نیامده است و صدر ماده با به کاربردن عبارت «علاوه بر سایر موارد معافیت از کیفر» بیان کننده تمثیلی بودن موارد مندرج در این ماده می‌باشد و در صورتی که علل یا عوامل دیگری که سبب معافیت از کیفر و

کیفری به‌معنی خاص خود، صراحتاً پذیرفته شده است، البته نیاز به رعایت شرایط موصوف در این ماده نیز می‌باشد (Schadas, 2001: 68-78).

۳-۵- اکراه در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری

ازجمله مواردی که در اساسنامه این دیوان به رسمیت شناخته شد، مسأله اجبار یا اکراه به‌عنوان یکی از موجبات سقوط مجازات یا به‌عبارتی دیگر علل رافع مسئولیت کیفری است، به طوری که در ماده ۳۱، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، موجبات معافیت از مسئولیت کیفری برشمرده شده است و یکی از موارد یا علل رافع مسئولیت کیفری (و نه تخفیف مجازات) مقوله اجبار است.

مطابق ماده ۳۱ دیوان کیفری بین‌المللی: «عملی که ارتکاب آن یکی از جرایم مربوط به صلاحیت دیوان است، تحت اجبار ناشی از یک تهدید قریب‌الوقوع به مرگ یا آسیب مهم، مستمر یا در حال وقوع بر تمامیت جسمانی این شخص یا شخص دیگر انجام شده و شخص مذکور به‌دلیل ضرورت به‌شکل معقول برای رفع این تهدید عمل کرده است، مگر این که قصد داشته باشد که خسارتی مهم‌تر از آن چه که او می‌خواسته از آن اجتناب کند، وارد نماید.» این تهدید ممکن است: ۱- توسط اشخاص دیگری انجام شود؛ ۲- یا تحت شرایط دیگری که مستقل از اراده آن شخص است، به وجود آمده باشد (شریعت‌باقری، ۱۳۸۶: ۴۵).

اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، موضوع اجبار به‌عنوان رافع مسئولیت کیفری را پذیرفته است، به‌طوری که در این مقررات، ماده ۳۱ بند «د» به این موضوع صراحت پاسخ داده است. برخلاف اساسنامه دادگاه‌های سابق که در این خصوص قانونی وضع نشده بود، در این اساسنامه موضوع اجبار صراحتاً پذیرفته شده است، البته برای اجبار موضوع این قانون لازم است شرایط ذیل با یکدیگر جمع گردد: ۱- تهدید باید قریب‌الوقوع و مشتمل بر مرگ یا جراحت شدید جسمانی باشد، به‌گونه‌ای که حق انتخاب و آزار را از فرد سلب نماید؛ ۲- هیچ راه دیگری جز ارتکاب جرم نداشته باشد؛ ۳- مرتکب هیچ تمایلی به ارتکاب جرم نداشته، خواست و میل اکراه‌کنندگان بر میل او تفوق یافته باشد؛ ۴- مرتکب نباید خود را عالمأ در شرایط اجبار یا اکراه قرار داده باشد؛ ۵- جرم ارتكابی باید با خطری که مرتکب برای

- آخوندشریف، میترا (۱۴۰۰). «لزوم بررسی انواع اشتباه و عوامل رافع و اثر آن بر مسؤولیت کیفری». تهران: پنجمین کنگره ملی نقش علوم انسانی در روان‌شناسی.

- تاوانینه، پل (۱۳۸۲). «قوانین اساسی کشورها و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی». ترجمه مرتضی کلانتریان، مجله حقوقی بین‌المللی، ۲۰(۲۸): ۱-۳۲.

- حبیب‌زاده، محمدجعفر و فخرناب، حسین (۱۳۸۴). «مقایسه عوامل موجهه جرم و عوامل رافع مسؤولیت کیفری». نشریه د/درسی، ۹(۵۴): ۳-۱۱.

- حسینی، سیدمحمد؛ اعتمادی، امیر (۱۳۹۲). «جنون به‌عنوان عامل رافع مسؤولیت کیفری در حقوق ایران و انگلستان». نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، ۶(۲): ۴۹۱-۵۱۷.

- خویشتن‌دار، محمدحسن (۱۳۹۸). ترجمه فلسفه قانون و مجازات. چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش.

- زراعت، عباس (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی. جلد اول و دوم، چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات جنگل/جاواده.

- شریعت‌باقری، محمدباقر (۱۳۸۶). اسناد دیوان بین‌المللی کیفری. چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل/جاواده.

- عمیدی، نوری؛ ملکی، مهدی (۱۳۲۷). «تأثیر مستی در مسؤولیت کیفری». نشریه کانون وکلا، ۱(۲): ۲۴-۲۹.

- غلامی، علی (۱۳۹۲). «مانع یا رافع بودن صغر، جنون و عوامل مشابه آن نسبت به مسؤولیت کیفری». مجله پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۱۴(۱): ۵۳-۷۷.

- کسسه، آتونیو (۱۳۸۷). حقوق کیفری بین‌المللی. ترجمه حسین پیران و همکاران، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل/جاواده.

- کیتی شیایزری، کریانگ ساک (۱۳۸۳). حقوق بین‌المللی کیفری. ترجمه بهنام یوسفی و محمد اسماعیلی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.

یا مانع از تحقق آن می‌شود، در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد، مرتکب یا مرتکبان جرایم داخل در صالحیت دادگاه کیفری بین‌المللی می‌توانند به آن‌ها استناد نمایند. موانع مسؤولیت کیفری درواقع، هم شامل عوامل موجهه جرم می‌گردد و هم شامل عوامل رافع مسؤولیت کیفری که در اکثر نظام‌های حقوقی این موارد سبب منتفی‌شدن تحقق جرم و یا سبب انتفای کیفر می‌گردند. برخی از عوامل یادشده، به‌صورت مطلق و برخی دیگر، تحت شرایط خاصی، مانع از تحقق مسؤولیت کیفری می‌شوند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد در مقایسه تطبیقی انجام گرفته بین عوامل معافیت از مسؤولیت کیفری در اساسنامه با حقوق کیفری ایران تا حدود زیادی هماهنگی وجود دارد و این زمینه را برای الحاق جمهوری اسلامی ایران به دیوان فراهم می‌کند. درنهایت با بررسی دو سیستم حقوقی در سطح داخلی و بین‌المللی تفاوت‌ها و تشابهات زیادی مورد توجه قرار می‌گیرد که همگی ریشه در طبع جرایم و گستردگی موضوع دارند.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

سهم نویسندگان: در این پژوهش، بصورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: ابراز نشده است.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- ارژنگ، اردوان و شاکر، محمدحسین (۱۳۹۹). «مستی به مثابه رافع مسؤولیت کیفری (ابهام ناموجه در سیاست جنایی تقنینی با تأکید بر فقه)». مجله پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۱(۲۲): ۷-۲۷.

- گریبی، ادواردو (۱۳۸۳). «دیوان بین‌المللی کیفری و حقوق بین‌الملل». ترجمه ابراهیم بیگزاده، مجله تخصصی الهیات و حقوق، ۴(۱۳): ۱۷۷-۱۸۶.

- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۷). *بایسته‌های حقوق جزای عمومی*. جلد اول و دوم، چاپ نهم. تهران: انتشارات میزان.

- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۷۸). *دادگاه کیفری بین‌المللی*. چاپ سوم، تهران: مؤسسه انتشارات دادگستر.

- ولیدی، محمدصالح (۱۳۷۳). *حقوق جزای عمومی*. جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات داد.

ب. منابع انگلیسی

- Delmage, E (2013). "The Minimum Age of Criminal Responsibility A Med ico-Legal Perspective". *Youth Justice SAGE Journals*, 12(2): 102-110.

- Schadas, WA (2001). *An Introduction to the International Criminal Court*. 3rd Ed., America: Cambridge University Press.

- Zimmermann, A (1998). "The Creation of a Permanent International Criminal Court". *Max Planck Yearbook of United Nations Law*, 1(2): 169-237.